

## بررسی نقش سازمان های بین المللی در حفظ صلح و امنیت جهانی

فرشاد کریمی<sup>۱</sup>، مریم مرادی<sup>۲</sup>

<sup>۱</sup> دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد رشته حقوق بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم

<sup>۲</sup> استادیار گروه حقوق بین الملل و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد بین الملل قشم

### چکیده

اگر بخواهیم سازمان های بین المللی در جهت حفظ صلح تداوم موثر داشته باشد و رشد کند، باید عناصر تداوم و قاطعیت و رشد از وی مضایقه نشود؛ به این صورت که میان نفوذ کشورهای مضایقه و استعدادهای حیاتی و نیرو و تمدنی که آنها ارزانی این سازمان داشته اند تناسبی معقول و بحق ایجاد گردد، به نظر می رسد که تدوین مقررات بین المللی و توجه به خواسته های کشورهای در حال رشد گامهای نخستین چنین حرکتی است. صلح مفروضه ی اصلی به وجود آمدن رشته ی روابط بین الملل بوده است. از تاسیس کرسی روابط بین الملل قضیه ی صلح و کنترل جنگ یکی از دلایل اصلی بحث و مجادلات نظری و عملی در جهان بوده است. تاکنون تئوری های زیادی در جهت ایجاد صلح و برقراری امنیت جهانی در عرصه ی مطالعاتی روابط بین الملل به وجود آمده است و در زمینه های عملی نیز سازمان های زیادی برای بسط صلح در عرصه ی جهانی تاسیس شده است. به خصوص بعد از جنگ جهانی دوم تلاش های زیادی در زمینه ی ایجاد صلح جهانی چه در زمینه ی تئوریک و چه عملی انجام شده است. در این جا این سوال پیش می آید که سازمان های بین المللی چه تاثیری در صلح جهانی و امنیت بین المللی به خصوص بعد از جنگ سرد داشته است به همین علت در این پژوهش سعی می شود تا با استفاده از رویکرد نهاد گرایی به این موضوع پرداخته شود. هدف اصلی سازمان ملل متحد حفظ صلح و امنیت بین المللی است. صلحی که منظور نظر سازمان می باشد صلح بین المللی است نه داخلی مگر در موارد اتفاقی و در جهت اجرا اعمال بین المللی خصوصاً صلحی که (مطابق با اصول عدالت و حقوق بین الملل باشد). در منشور ملل متحد چندین روش پیش بینی گردیده تا هنگامی که به نظر می رسد صلح و امنیت در خطر باشد اقدام لازم انجام شود ممکن است شورای امنیت اطراف دعوا را به حل و فصل اختلافات خود فراخوانده و نیز در مورد هر اختلاف یا موقعیتی که ادامه آن ممکن است صلح و امنیت بین المللی را به خطر اندازد تحقیق و بررسی نماید.

واژه های کلیدی: صلح جهانی، سازمان های بین المللی، امنیت بین المللی، همکاری، نهاد گرایی.

## مقدمه

از مسایل و اهداف اصلی سازمان های بین المللی در قرن حاضر رسیدن به صلح جهانی و امنیت دسته جمعی بوده است که این امر در اساسنامه سازمان بین المللی مهم قرن، سازمان ملل متحد متبلور شده است. در واقع جنگ سرد باعث اختلال در روند سیستم امنیت بین المللی گردید. امروزه زندگی بین المللی بدون سازمان های بین المللی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت ها را نشان می دهد. بنابر این ملاحظه می شود که تا چه حد سازمان های بین المللی در زندگی سیاسی، اقتصادی، اجتماعی بین المللی از جایگاه مهمی برخوردارند. سازمان های بین المللی از دیر باز در برقراری و حفظ صلح و امنیت تاثیر داشته اند و از روش های مختلفی به منظور حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات استفاده می کنند، که شامل روشهای سیاسی مانند مذاکره، میانجی گری، سازش و یا روشهای حقوقی مانند داوری و رسیدگی قضایی می شود. (والتون، ویجانیدرا ۱۳۸۷: ۶۷)

با توجه به تحولاتی که امروزه در جامعه ی بین المللی رخ داده است، نقش سازمان های بین المللی غیر دولتی روز به روز از اهمیت بیشتری برخوردار می شوند و حضور این سازمان ها ابعاد وسیعتری به خود می گیرد و علت آن هم این است که ایجاد این سازمان ها نسبت به سازمان های بین المللی فوق العاده ساده تر است و در بررسی صلح در جامعه ی بین الملل نیز سازمان های غیر دولتی بیش از سازمان های دولتی به مقوله ی صلح اهمیت داده اند. قلمرو فعالیت های این سازمان ها از حقوق بشر تا مخاصمات مسلحانه و محیط زیست می باشد که همه به نحوی صلح و آرامش جهانی را هدف خود قرار می دهند. (غفوری، ۱۳۸۳: ۲۴)

هر بار که تغییر عمده ای در جامعه ی بین الملل حاکم شده است، نقش دیپلماسی در سیاست جهانی مورد بازنگری مجدد قرار گرفته است. این موضوع در ابتدای قرن بیستم و در سایه ی تحولات عمده ی واقع در آن زمان مصداق دارد و هم اکنون نیز در دهه اولیه قرن بیست و یکم و هزاره سوم تجلی یافته است. در قرن جدید، علاوه بر وجود عناصر و عوامل تکنولوژیک جدید، در عرصه ی دیپلماسی "دولت زدایی" شده است. این عنصر مهم و تاثیر گذار باعث گردید در مناسبات، صلح، جنگ و ثبات از میان برداشته شود و سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی روی کار آمده اند، که درصددند با گسترش فعالیت های دیپلماتیک خود در صحنه های بین المللی نقش آفرین باشند و محدودیت کارکرد دولت های ملی را در عرصه ی بین المللی و دیپلماسی برطرف سازند (همان: ۲۶).

از عوامل اصلی در ایجاد دگرگونی در روابط بین دولت ها، وحشت از جنگ می باشد که به صورت انگیزه ای برای همکاری بین المللی به منظور رسیدن به صلح جهانی درآمده است. یکی از دلایل اصلی به وجود آمدن سازمان های بین المللی پس از جنگ جهانی دوم نیز، برقراری صلح و امنیت بوده است. در این راستا اقدامات سازمان های بین المللی برای حل و فصل مناقشات دارای اهمیتی حیاتی است؛ چرا که بیشتر این سازمان ها، به عنوان نهادهای فراملی، توانایی و مشروعیت ایفای نقشی تاثیرگذار و مورد پذیرش همگان را در جامعه جهانی دارا می باشد. می توان صلح را ماهیت اصلی به وجود آمدن این سازمان ها دانست. سازمان های بین المللی دو نوع سازمان کاملاً متفاوت را دربرمی گیرند؛ اولین نوع مربوط می شود به سازمان های بین المللی دولتی که آن ها را دولت های ملی تشکیل می دهند و اداره می کنند. دومین نوع مربوط می شود به سازمان های بین المللی غیردولتی که دولت های ملی نقش مستقیمی در تشکیل و اداره ی آن ها ندارد. امروزه تعداد سازمان های بین المللی دولتی را بین ۳۰۰ تا ۴۰۰ تخمین زده اند. (سلیمانی و قاسمی، ۱۳۹۳ صص ۴۵-۶۴)

امروزه در جامعه ی بزرگ جهانی، سازمان های بین المللی نه تنها در حوزه های فنی، تجاری و صنعتی، مدیریت جامعه بین المللی را عهده دار شده اند بلکه در امور حاکمیتی مثل حفظ صلح، خلع سلاح و کنترل تسلیحات نیز قد علم کرده اند. بر این اساس سازمان های بین المللی که ماهیتاً نهادهایی فاقد حاکمیت قلمداد می شوند از رهگذر توافق دولت ها به اعمال اختیارات حاکمیتی مختلف مبادرت می ورزند. در این وادی یک سازمان بین المللی، اجتماعی از دولت ها می باشد. محل استیلا قدرت سازمان های

بین‌المللی متغیر است ولی هر آنچه که به صورت امور داخلی یک کشور در نیاید را می‌توان تحت نفوذ این سازمان‌ها در جامعه بین‌المللی دانست (بیگ زاده. ۱۳۹۰: ۱۴).

### سؤالات تحقیق:

- ۱- آیا سازمان‌های بین‌المللی با ایجاد محیط مناسب در جامعه و شکل‌دهی به فرهنگ کارگروهی، و صلح و امنیت در جهان می‌توانند موثر باشند؟
- ۲- آیا سازمان‌های بین‌المللی با آزاد نمودن دولت از تصدی‌گری برای پرداختن به رهبری و هدایت کلان جامعه در توسعه امنیت جهانی تاثیر دارند؟
- ۳- آیا سازمان‌های بین‌المللی با مسئولیت‌پذیر نمودن آحاد جامعه و تحقق قانون‌گرایی در جهت توسعه صلح جهانی تاثیر دارند؟
- ۴- آیا سازمان‌های بین‌المللی در تعامل با دولت‌ها و هموار نمودن راه توسعه امنیت برای زنان در سطح جهانی موثر هستند؟
- ۵- آیا سازمان‌های بین‌المللی با توسعه سرمایه‌گذاری از طریق اشاعه خصوصی سازی، تجمیع سرمایه‌های کوچک و جذب سرمایه‌های خارجی در توسعه صلح و امنیت جهانی اثر گذارند؟
- ۶- آیا سازمان‌های بین‌المللی با توسعه قابلیت‌های نیروی انسانی و توانمندسازی آنان در جهت توسعه امنیت و صلح جهانی تاثیر گذارند؟

### پیشینه پژوهش

سیمبر (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان منطقه‌گرایی و صلح‌سازی در جهان با تاکید بر خلیج فارس منطقه‌گرایی پدیده‌ای است با سابقه طولانی که در عرصه جغرافیای سیاسی و روابط بین‌الملل مفهومی متعارف دانسته می‌شود، موضوعی که در خلال حداقل دو دهه گذشته دستخوش تحول و از استقبال تصمیم‌گیرندگان سیاسی و دانشگاهیان برخوردار شده است. هدف این مقاله کنکاشی بین‌ساختار منطقه‌ای در جغرافیای سیاسی و صلح‌سازی است، و سوال بنیادین این است که آیا منطقه‌گرایی می‌تواند دارای نقش عمده‌ای در روند ایجاد صلح جهانی در کلان‌مناطق جغرافیایی باشد؟

در این مقاله ابتدا به یک چارچوب مفهومی چند بعدی و چند جانبه اشاره می‌شود که مبتنی بر پنج سطح مختلف از همگرایی است. در ضمن بر نهاد‌های ابزاری در صلح‌سازی و ویژگی‌های صلح در هر سطح منطقه‌ای به شکل مجزا تاکید می‌شود. در قسمت دوم به منطقه خلیج فارس به عنوان یک مطالعه موردی جهت تبیین هر چه بیشتر موضوع اشاره می‌شود.

عبیری (۱۳۹۱) در پژوهشی با عنوان نقش سازمان‌های بین‌المللی غیردولتی در حمایت از حقوق بشر در رویه دادگاه اروپایی حقوق بشر نشان داد عرصه حقوق بین‌الملل دارای نقش آفرینان مختلفی است که همه آن‌ها در شکل‌گیری و ارتقاء آن تاثیرات متفاوتی داشته‌اند. تشکل افراد به گروه‌ها و سازمان‌های گوناگون، پدیده‌ای جدید نیست. در حوزه حقوق بشر نیز، از آنجا که اقدامات افراد در دفاع از حقوق بشر به ندرت منجر به توفیق شده است، به منظور بالا بردن سطح اطلاعات و میزان توانایی‌هایشان در قبال نقض گسترده حقوق بشر، تجمعاتی به نام سازمان‌های غیردولتی به وجود آورده‌اند تا بتوانند در ایجاد مفاهیم جدید و نیز حراست از حریم حقوق بشر سهم داشته باشند. در واقع، سازمان‌های غیردولتی جایگاه ویژه‌ای را به خود اختصاص داده نقش تعیین‌کننده‌ای در عرصه حقوق بین‌الملل ایفا می‌کنند تا حدی که این سازمان‌ها بزرگ‌ترین گروه سازمان‌های بین‌المللی را تشکیل داده و از آنجا که نمایندگان بخش‌های گوناگون عمومی را دربر می‌گیرند مبارزه‌ای پایدار را برای حفظ و حمایت از حقوق بشر آغاز کرده و نقش مهمی را در این خصوص برعهده گرفته‌اند. با مدنظر قرار دادن این واقعیت که طرف‌های دادرسی‌های بین‌المللی غالباً دولت‌ها بوده‌اند این پرسش وجود دارد که آیا می‌توان در پرتو صلاحیت و عملکرد دادگاه اروپایی حقوق بشر، برای سازمان‌های غیردولتی در دادرسی‌های بین‌المللی نقشی را در نظر گرفت و اگر پاسخ مثبت باشد بررسی چگونگی این نقش آفرینی موضوع این مقاله است.

طلایی، رزم خواه (۱۳۹۲) نقش سازمان های بین المللی در تحقق حق بر غذا فصلنامه سازمان های بین المللی، حق بر غذا، حق بنیادین هر شخص، حق بر رهایی از گرسنگی و دسترسی پایدار به غذا با کیفیت و کمیتی است که پاسخگوی نیازهای غذایی و فرهنگی او باشد. اگر چه تعهد اصلی اجرای حقوق بشر، چه در عرصه داخلی و چه بین المللی بر عهده دولت ها قرار گرفته است، اما گسترش روز افزون دامنه فعالیت های سازمان های بین المللی در سطح بین الملل، به ویژه در زمینه حقوق بشر، این پرسش را بر می انگیزد که نقش سازمان های بین المللی در برآورده کردن حق بر غذای بشری چیست و سازمان های بین الملل چگونه این نقش را ایفا می نمایند. این مقاله نشان می دهد که سازمان های بین المللی نقش موثر و بی بدیلی در زمینه تحقق حق بر غذا در سطح بین المللی دارند. همچنین بیان می شود که این نهادها از جنبه های مختلفی به مسائل مرتبط با دستیابی به حق بر غذا می پردازند. در نهایت نتیجه گرفته می شود که هدف از این فعالیت ها، دستیابی به حق بر غذای بشری، به ویژه برای مردمان تنگدستی است که بیشترین آسیب را از وضعیت نامناسب امنیت غذایی در سطح جهانی متحمل شده اند.

### روش شناسی تحقیق

در این پژوهش با توجه به اینکه محقق به روش کتابخانه ای یا اسنادی اقدام به جمع آوری مطالب نموده است لیکن از طریق مطالعه اسناد، کتب، نشریات و مجلات مختلف و از طریق فیش برداری اقدام به جمع آوری مطالب نموده است.

### مبانی نظری پژوهش

#### صلح جهانی؛ از نظریه تا عمل

صراط: شناخت صلح و پردازش ابعاد و مولفه های صلحی که در جهان قابل استقرار و پایدارسازی باشد، یکی از اصلی ترین دل مشغولی های بشر در طول تاریخ بوده، چرا که غلبه منازعه و تقابل میان جوامع و ملل، یکی از برجسته ترین خصایص زندگی بین المللی بوده است. آنچه در دوران جدید (معاصر) متفاوت از گذشته است، اولاً تغییر آستانه تهدید و نقض صلح است: اینکه صلح الزاماً نقطه مقابل جنگ (و به معنای نبود جنگ) نیست بلکه تحقق آن نیازمند مجموعه ای از شرایط و وضعیت های مرتبط با یک زندگی آرام، سالم، امن و متعالی برای آحاد بشر است. ثانیاً گستره موضوعی منتفعین و متعهدین در عرصه صلح گسترش یافته است: اینکه صلح صرفاً پدیده ای بین الدولی نیست، بلکه بین انسانی و بین گروهی هم است.

عصر حاضر، دوران تبلور برجسته و آشکار آرمان خواهی ها و مطالبات بشریت و تلاش برای یافتن راه نجات بشر از وضعیت نابسمانان معاصر است. مطالبه صلح و عدالت، جلوه ای گسترده دار و بامعنا از این فرایند و تکاپوها است که اکنون به مرحله ای مهم و نقطه «عطف» تاریخی نائل شده است و آن بهره گیری از فرصت های جهانی برای تسهیل این مسیر و برون رفت از چالش هائی است که به علل و عوامل گوناگون فراروی بشر امروز قرار گرفته است. اما نکته در اینجاست که صلح هم در شناخت و هم در عمل، با مجموعه ای از چالش ها روبروست. برخی از مهمترین ابعاد صلح جهانی در نظریه و عمل، در تحلیل زیر ارائه خواهد شد. (سازمند، ۱۳۸۴: ۱۴۲)

### نگاهی به رهیافت صلح شناسی

مطالعات صلح، حوزه ای از مطالعه و پژوهش در سطح بین المللی است که سابقه پردازش آن در روابط بین المللی و صبغه تحلیلی آن در چارچوب قدرت و سیاست بین الملل، مقدم بر مطالعات هنجاری حقوقی است. بلکه اساساً روش تحلیل حقوقی یا قانون محور، خود بخشی از شیوه ها و رهیافت های تحلیلی در روابط بین الملل بوده است. علی ایحال، ارزیابی و تحلیل در زمینه های عملیاتی صلح مستلزم ادراک رهیافت های مرتبط با تعریف و تعیین محتوای این ارزش جهانی است؛ ارزشی که به دلیل همین تعریف ها و تبیین های متکثر و متفاوت، به مقوله ای برای تقابل جریان ها و مکاتب سیاسی و امنیتی و صف آرائی

گفتمانی آنها در برابر همدیگر نیز منجر شده است. از این رو صلح شناسی، پیش شرط هرگونه کندوکاو راجع به یافتن صلح خوب و تفکیک آن از صلح بد است. (رایت، ۱۳۸۴، ص ۲۶۲).

### چالش های اساسی فراروی صلح جهانی

تحولات و وقایع اخیر در عرصه روابط بین المللی (و همچنین ملی و درون ملی) به خوبی نشان می دهد که در سده حاضر «صلح و عدالت» بیشتر از هر چیز دیگری در معرض خطر، تهدید و نقض قرار دارد. این تحولات، از اقدامات نظامی یکجانبه، قتل عام و محاصره شهرها و هژمون طلبی برخی رژیم ها و دولتها در اقصاء و نقاط جهان گرفته تا فقر و گرسنگی ها و عدم توزیع عادلانه امکانات حیات انسانی میان ملتها و همچنین بیسوادی و عدم دسترسی به آگاهی های لازم برای مواجهه صحیح با حوادث طبیعی و غیرمترقبه و آنچه در زندگی اجتماعی رخ می دهند و نهایتاً فقدان حاکمیت عدالت بر روابط بین المللی، همه جوامع اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، ملی و بین المللی را با بحران روبرو نموده به طوری که بیشترین زمان و بودجه ها نیز در سطح جهان به همین مسائل و شیوه های برخورد واکنشی به آنها اختصاص یافته و می یابند. این در حالی است که عدم درک صحیح از بسترها و عوامل منتهی به بحران های صلح، پیامدهای دقیق این عوامل بر کم و کیف حیات بشری و همچنین وظایف و کارکردهای دولتها و جامعه بین المللی در این رابطه، نه تنها امکان واکنش به این مسائل را در پهنه زیست جمعی بشر ناممکن ساخته بلکه به جای شناخت «علت ها» بر «معلول ها» تمرکز گردیده، آسیب های ناشی از وضعیت موجود و حاکم ادارک نشده و نهایتاً اهمیت و بسترهای «پیشگیری» از چنین بحران هائی نیز در پس ظواهر و صورت بندی های جامعه بین المللی دولتها پنهان گردیده است. (سازمند، ۱۳۸۴، ص ۵۰)

### چالشهای هنجاری مرتبط با ساخت و تضمین صلح

بخشی از آسیب های صلح و عدالت در جهان نیز به نظام حقوقی و هنجاری حاکم بر نظام بین المللی مربوط می شود. مهمترین مورد در این خصوص، ممانعت برخی قدرتها از شکل گرفتن حق جهانی و انسانی بر صلح و عدالت و تدوین آن در قالب کنوانسیون های بین المللی است. این دسته از کشورها استقرار این حق را با منافع خود در زمینه تولید و توسعه سلاحهای کشتار جمعی، فروش سلاح به کشورهای افریقائی و امریکائی و تحریک گروهها به تجزیه طلبی و شورش، ایجاد گروههای تروریستی و غارت منابع طبیعی آنها ناسازگار می دانند.

### نقش سازمان ملل و شورای امنیت در حل و فصل مناقشات

مقوله «امنیت بین المللی» مفهومی است که بر بر منافع مشترک کشورهای صاحب قدرت در اعتلا و صیانت از امنیت و منافع آنها دلالت دارد. به رسمیت شناختن آن منافع مشترک کشورها مستلزم ایجاد چهارچوب اجتماعی در سطح جامعه بین المللی به منظور پایان بخشیدن به اقدامات امنیتی ملی یکجانبه است. همین رویکرد در پایان جنگ بین الملل اول قدرتهای پیروز را تحت رهبری قاطعانه رئیس ویلسون، به سوی تاسیس جامعه ملل در سال ۱۹۱۹ هدایت کرد تا از این طریق هدف تامین امنیت بین المللی از طریق اقدام جمعی تمامی کشورها محقق شود. شکست جامعه ملل در دستیابی به آن هدف و بروز جنگ بین الملل دوم موجب کنار گذاشتن مفهوم امنیت بین المللی نگردید، بلکه آن ایده در قالبی جدید یعنی تاسیس سازمان ملل متحد دوباره به میدان آمد. «امنیت بین المللی» از آغاز به چهارچوب کاری و اولین وظیفه سازمان ملل مبدل شد. رئیس جمهور روزولت در سخنرانی خود به مناسبت آیین افتتاح سازمان ملل متحد آن سازمان را پایانی بر نظام عملکرد یکجانبه، پیمان های اختصاصی و منطقه اختصاصی و منطقه نفوذ و توازن قدرت، و تمام مصلحت های دیگر که قرنها آزموده شده اند و همیشه شکست خورده اند دانست. (برزگر، ۱۳۸۷، ص ۶۵۴ و ۶۵۵)؛

## ساز و کار سازمان ملل متحد

نظام سازمان ملل بر پایه شرایط مطابق با قانون اساسی کشورها و با ترجیح ثنوری میان عملکرد بخش های اصلی سازمان بنیان نهاده شده است. هرچند، در نتیجه شرایط سیاسی در نظم بین المللی بکار بستن مفاد منشور در عمل به با شکست مواجه شد اما ایرادات آن بعدها با انجام اصلاحات به عنوان فرصتی برای تقویت سازمان ملل تبدیل گردید. شورای امنیت به عنوان بازوی اجرایی سازمان ملل و مجمع عمومی به عنوان بخش پارلمانی در نظر گرفته شد. هر دو بخش می توانند در حل و فصل مناقشات به طور صلح آمیز از طریق مکانیسم های سنتی مذاکره، و میانجی گری شرکت کند. برای حفظ صلح و امنیت بین المللی تنها شورای امنیت می تواند تصمیم های الزام آور اتخاذ کند که در فصل ۵ به آن اشاره شده است.

تلاشهای موثر برای شرح جزئیات روشها و مکانیسم های موجود در سازمان ملل بر یافتن راه حلی برای مناقشات توسط دبیر کل وقت سازمان ملل به سرعت پس از فروپاشی جماهیر شوروی و پایان جنگ سرد، صورت گرفت. در اجلاس موسوم به طرحی برای صلح، در حالی که دبیر کل تاکید می کرد که احترام به حاکمیت و تمامیت بنیادی کشورها، سنگ بنای سازمان را تشکیل می دهد، او اشاره کرد که تغییرات سریع بر کشورها چه در سطح داخلی و چه در سطح جامعه بین المللی به عنوان یک کلیت واحد تاثیر می گذارد و بر نقش سازمان ملل در تامین صلح تاکید هر چه بیشتر می افزاید. گزارش دبیر کل ملل متحد در اجلاس فوق به دنبال طبقه بندی اقداماتی بود که سازمانهای تابعه ملل متحد آن را به عهده گرفته بودند یا می توانستند به عهده بگیرند. دیپلماسی پیشگیرانه، اقدامی در جهت جلوگیری از مناقشات برخاسته میان کشورها، جلوگیری از بدتر شدن مناقشات و شروع درگیری و پایان دادن به درگیریها، از جمله مهمترین این اقدامات محسوب میشود. میانجیگری برای صلح اقدامی در جهت ایجاد توافق بین طرفین متخاصم است که در فصل VI منشور و تحت عنوان استفاده از روشهای صلح آمیز با دقت شرح داده شده است. برقراری صلح، اقدامی برای شناخت و حمایت ساختارهایی است که محافظ صلح بین الملل است. اجرای صلح، حفظ صلح است، و منوط به رضایت طرفین نیست، بلکه باید بر اجرای قوانین فصل VII از منشور سازمان ملل تکیه کند. (نواب، ۱۳۸۵: ۲۱۰)

## عملکرد شورای امنیت سازمان ملل در زمینه صلح جهانی

هنگامی که سازمان ملل شکل گرفت، شورای امنیت در ابتدا مسئول حفظ صلح و امنیت بین المللی بود و قدرت نامحدود برای تامین امنیت اجتماعی داشت. بر طبق ماده ی ۲۴، اعضای سازمان ملل شورای امنیت برای حفظ امنیت و صلح بین المللی مسئولیت اولیه را اعطا کردند، و به موجب ماده ی ۲۵، تصمیم های شورای امنیت پذیرفته و به موارد اجرا گذاشته می شود. دادگاه عدالت بین المللی در مورد نامیبیا توجهات را به این حقیقت که شرایط ماده ی ۲۵ اجرای اقدامات تحت فصل VII منشور را محدود نکرده اما تصمیم های شورای امنیت بر طبق منشور پذیرفته می شود. بر طبق بیانیه شورا تحت ماده ی ۲۴ با استفاده از مسئولیت اولیه می تواند تحت ماده ی ۲۵ تصمیم گیری کند بطوری که کشورهای عضو انتظار دارند که اقدامات براساس بیانیه از طرف آنها صورت گیرد. در حالی که اقدامات پذیرفته شده توسط شورای امنیت در اجرای فصل VI منشور، در ارتباط با حل و فصل صلح آمیز مناقشات دارای جنبه ی نصیحتی هستند، مسائل مربوط به تهدید یا نقض صلح و یا اقدام خصمانه، تحت فصل VII قدرت تصمیم گیری از طرف شورا را افزایش می دهد. این یک تمایز مهم است و اولویت هم آهنگی درون سیستم برای حفظ صلح و تا حدی اعطای اختیار به شورای امنیت در دستیابی به حفظ صلح اهمیت دارد. سیستم به موجب ماده ۱۰۳ تکمیل شده است که در آن اعلام می کند، تعهدات تحت منشور ملل بر تعهدات سایر توافقات بین المللی غالب است. به محض اینکه شورای امنیت، مناقشه ی خاص و یا وضعیت تهدید کننده صلح و یا اقدام خصمانه را حل کرده است، راه برای اتخاذ اقدامات بیشتر باز می شود. هرچند چندین اقدامات ممکن است با اقدام موقت برای جلوگیری از بدتر شدن اوضاع، مقدم باشد. این اقدام موقت بر طبق ماده ی ۴۰ منشور پیش بینی شد، بدون تبعیض حقوق و یا ادعای طرفین و هدف از اقدام موقت، به حال تعادل درآوردن موقعیت بحران است. شورای تصمیم می گیرد که با توجه به موقعیت، تهدیدی برای صلح، نقض صلح و یا اقدام خصمانه وجود دارد یا نه؟ اقدام اتخاذ شده توسط شورا ممکن است به دو شیوه باشد پیدا

کند. ممکن است شامل اقدامات غیر نظامی تحت ماده ی ۴۱ مانند قطع ارتباطات اقتصادی و یا پایان دادن به ارتباطات دیپلماتیک باشد و یا ممکن است به صورت درخواست استفاده از زور همانطور که برای حفظ و نگهداری صلح و امنیت بین المللی تحت ماده ۴۲ عنوان گردیده باشد. سرانجام، باید اشاره کرد که مشروعیت شورای امنیت در چگونگی روشی که آن باید مورد توجه دهد، فرض گردیده است. عدالت شورای امنیت با آنچه که آن در اصول خود به کار برده، سازگار می باشد. و مشروعیت و عدالت هر دو بواسطه شفافیت در فرایند تصمیم گیری شورای شکل می گیرند. نگرانی در مورد هر سه عامل توسط بخش بزرگی از اعضای سازمان ملل بیان شده است. (ثقفی عامری، ۱۳۷۶: ۱۴۰)

### چالش‌های اساسی فراروی صلح جهانی

تحولات و وقایع اخیر در عرصه روابط بین‌المللی (و همچنین ملی و درون ملی) به خوبی نشان می‌دهد که در سده حاضر «صلح و عدالت» بیشتر از هر چیز دیگری در معرض خطر، تهدید و نقض قرار دارد. این تحولات، از اقدامات نظامی یکجانبه، قتل عام و محاصره شهرها و هژمون طلبی برخی رژیم‌ها و دولت‌ها در اقاصا و نقاط جهان گرفته تا فقر و گرسنگی‌ها و عدم توزیع عادلانه امکانات حیات انسانی میان ملت‌ها و همچنین بیسوادی و عدم دسترسی به آگاهی‌های لازم برای مواجهه صحیح با حوادث طبیعی و غیرمترقبه و آنچه در زندگی اجتماعی رخ می‌دهند و نهایتاً فقدان حاکمیت عدالت بر روابط بین‌المللی، همه جوامع اعم از توسعه یافته و در حال توسعه، ملی و بین‌المللی را با بحران روبرو نموده به طوری که بیشترین زمان و بودجه‌ها نیز در سطح جهان به همین مسائل و شیوه‌های برخورد واکنشی به آنها اختصاص یافته و می‌یابند. این در حالی است که عدم درک صحیح از بسترها و عوامل منتهی به بحران‌های صلح، پیامدهای دقیق این عوامل بر کم و کیف حیات بشری و همچنین وظایف و کارکردهای دولت‌ها و جامعه بین‌المللی در این رابطه، نه تنها امکان واکنش به این مسائل را در پهنه زیست محیطی بشر ناممکن ساخته بلکه به جای شناخت «علت‌ها» بر «معلول‌ها» تمرکز گردیده، آسیب‌های ناشی از وضعیت موجود و حاکم ادراک نشده و نهایتاً اهمیت و بسترهای «پیشگیری» از چنین بحران‌هایی نیز در پس ظاهر و صورت بندی‌های جامعه بین‌المللی دولت‌ها پنهان گردیده است. (سازمند، ۱۳۸۴: ۱۵۸)

### سازمان‌های بین‌المللی تجاری و صلح

یکی از عوامل مهم ناکامی بشر در دستیابی به صلح، توزیع نابرابر منابع اقتصادی و دسترسی به امکانات بقاست. در حالی که توسعه ی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به گونه ای این ناعدالتی را به عنوان اصل مهم صلح جهانی ترمیم می کند و شکاف اجتماعی و فرهنگی را تقلیل می دهد و به همین میزان نیز احتمال تنش و خشونت را خواه در روابط انسانی، بین ملت ها و تمدن ها و نهایتاً بین دولت ها کاهش خواهد داد و در نهایت جنگ و درگیری نیز به حداقل خواهد رسید. از نظر رویکرد نهاد گرایی نولیبرال در جامعه بین المللی پیدایش سازمان های بین المللی تجاری و اقتصادی نه تنها به صلح کمک می کند بلکه با وجود مذاکرات کشور ها و تعاملات اقتصادی بین آنها و نیاز روز افزون هر کشور در زمینه های مختلف به کشور دیگر بحث وابستگی متقابل به وجود می آید که روند توسعه را نیز فزونی می بخشد (ساعد، ۱۳۸۹: ۳۲) در این چارچوب آن چه که مهم است و اهمیت دارد بحث عدالت و رعایت کردن آن از جانب سازمان های بین المللی است، از این نظر گفته می شود که تحقق عدالت از دغدغه های اصلی سیاستمداران و دست اندر کاران نظام های اقتصادی و اجتماعی است اما نکته اینجاست که هر گروهی و مکتبی راه رسیدن به عدالت اقتصادی و تحقق آن را به شکل خاصی عملی می داند. پس از نظر و جنبه ی اقتصادی همکاری نهادینه ی دولت ها در چارچوب سازمان های بین المللی تجاری می تواند به پیشبرد صلح جهانی کمک کند. (سلیمانی، قاسمی، ۱۳۹۳، صص ۴۵-۶۴)

### ارتباط بین صلح جهانی و سازمان های بین المللی

سازمانهای بین المللی، سازمانهای غیر دولتی منطقه ای و جهانی از جمله بازیگران جدید در عرصه بین المللی محسوب می شوند. گروهی از سازمانهای بین المللی که در حوزه های مانند حقوق بشر، جنگ و صلح و ... فعالیت دارند تاثیر بیشتر و عمیق تری در تحول مفهوم صلح بر جای می گذازند. بازیگران فراملی اعم از دولتی یا غیر دولتی تاثیرات زیادی بر صلح و دگرگونی نحوه تامین آن دارند که از فعالیت آنها در برقراری صلح و امنیت در جهان صورت می گیرد (سرمدت، ۱۳۸۸: ۲۰۶). سازمان ملل متحد که پس از جنگ جهانی دوم جایگزین جامعه ملل شد، بزرگترین سازمان بین المللی است که نقش اصلی را در حفظ صلح و تامین امنیت در جهان به عهده دارد. این سازمان که تبلوری از امنیت دسته جمعی است، سازمان بین دولتی محسوب می شود. این سازمان نقش موثری در برقراری امنیت و تامین صلح در جهان ایفا کرده است. برخی از این اقدامات مستقیم مثل تشکیل گروه های صلح بانی در مناطق بحران زده و برخی از آنها غیر مستقیم بوده است. مانند تشکیل سازمانهای حقوقی و داوری برای حل و فصل مسالمت آمیز اختلافات، ایجاد ساختارها، رژیم ها، قواعد و هنجارهای بین المللی مناسب برای تبادل اطلاعات، شفاف سازی امور و کاهش ابهام، مقابله با رفتارهای ناهنجار بازیگران در عرصه بین المللی و بلاخره فراهم آوردن بستری مناسب برای مدیریت جمعی منازعات به حفظ صلح و برقراری امنیت در جهان کمک می کند (سرمدت، ۱۳۸۸: ۲۰۶) در مورد سازمان های نظامی بین المللی مثل سازمان آتلانتیک شمالی (ناتو) می توان گفت در حفظ صلح میان اعضای خود موفق بوده اند و احتمال می رود با گسترش حوزه فعالیت آنها به سایر نقاط نقش فعالتری در تامین صلح و امنیت جهانی در سایر مناطق جهان ایفا کند. برای نمونه: رهبران کشورهای عضو ناتو در نوامبر ۱۹۹۱ «بیانیه صلح و همکاری رم» را صادر کردند. در این بیانیه که به دنبال بیانیه لندن در ۱۹۹۰ صادر شد، بر این امر تاکید شده بود که در این زمان، تشکیل اجتماعی متشکل از ارزش های مشترک آزادی، دموکراسی و حقوق بشر در میان مردم آمریکای شمالی و مردمان تمامی کشورهای اروپایی میسر است. نهادهایی که در آن زمان، مسئولیت تشکیل چنین اجتماعی را بر عهده داشتند، اتحادیه ی اروپای غربی، شورای اروپا، جامعه اروپایی، سازمان امنیت و همکاری اروپا و ناتو بودند که می بایست در برابر بی ثباتی های ناشی از اختلافات اقتصادی و منازعات ملی گرایانه، راهکارهایی را ارائه می دادند. رهبران کشورهای ناتو، راه حل برون رفت از بحران های جدید را در به کارگیری همزمان سه رهیافت «گفتگو»، «همکاری» و «حفظ توان دفاع جمعی» می دانستند (کولایی، تیشه یار، ۱۳۸۶: ۷۱) سازمان کنفرانس اسلامی یکی از سازمان های بین دولتی مهم به خصوص در بین کشورهای اسلامی می باشد. این سازمان به خصوص در نقش آفرینی ایران به عنوان ریاست پیشینی سازمان در حل بحران های منطقه ای، بحران سوریه و ترکیه، کوزوو و حل مسایل و مشکلات فلسطینیان، لیبی، افغانستان و عراق و کسب موفقیت های افتخار آفرین در این عرصه ها، پتانسیل بالقوه و نهفته ی این سازمان را فراروی صاحب نظران و نظریه پردازان سیاسی قرار داده است که می تواند با بهره مندی بهینه از آن، بیش از آنچه است، در عرصه بین المللی به ایفای نقش بپردازد. یکی از اولویت های مهم سازمان کنفرانس اسلامی، تلاش برای رفع تشنج و اختلاف میان کشورهای عضو سازمان بوده است. همچنین همایش ژنو اولین تجربه ی موفق سازمان کنفرانس اسلامی در انجام اقدامی جمعی و محتوایی در زمینه ی حقوق بشر در تعاطی با سازمان ملل متحد محسوب می شود (رحمانی، ۱۳۹۰: ۲).

### اصلاح ساختار فکری - سازمانی ملل متحد برای تحقق جهانی صلح

صلح در منشور ملل متحد، مفهومی ترکیب شده با «امنیت» است که حفظ آنها به عنوان اولین هدف سازمان ملل متحد در ماده ۱ این سند ویژه حقوقی بین المللی تصریح و تاکید شده است. البته مقدمه منشور، عمدتاً ترجمانی محسوس و مصداقی از «صلح» است که از «پرهیز و منع تکرار جنگ های جهانی خانمانسوز» یا صلح منفی آغاز و به مولفه های اثباتی و ایجابی صلح ختم می شود. با این حال، هیچ گاه نه در محتوای ۱۱۰ ماده ای این سند و نه در عملکرد این سازمان طی ۷۰ سال گذشته که



با تصویب حدود ۱۰ هزار قطعنامه در ارکان مختلف آن محقق شده حتی برای یکبار «صلح» و «امنیت» یا «صلح و امنیت» تعریف نشده است.

این وضعیت ابهام در تعریف مسئله اول جامعه بین المللی، قطعاً معنادار است و حتی واکاوی علل و عوامل یا اهداف آن، کلید گشایش در پیچه ای جدید به راهکارها و ساختارهایی هستند که بتوانند «صلح واقعی» را برای جامعه بشری و آسیب پذیرتر امروز مطالبه کنند. (برزگر، ۱۳۸۷، ص ۶۷۴ و ۶۸۵)

### حل اختلافات مسالمت آمیز بین کشورها

به طور کلی، کشورهای عضو سازمان به موجب مقررات منشور موظف اند اختلافشان را از طریق مسالمت آمیز فیصله دهند (فصل ششم) این اصل که در بند ۳ از ماده ۲ به صراحت خاطر نشان گردیده در ماده ۳۳ به تفصیل بیان شده است به موجب این ماده طرفین هر اختلافی که ادامه اش ممکن است صلح و امنیت بین المللی را به مخاطره افکند باید قبل از هر اقدامی، اختلاف خود را از طریق مذاکره، میانجیگری، سازش، داوری، رسیدگی قضایی و توسل به نهادهای منطقه ای یا سایر وسایل مسالمت آمیز حل نمایند. بدیهی است در این قبیل موارد، همانطور که خود ماده ۳۳ هم متذکر شده است، کشورها در انتخاب راه حل آزادی عمل دارند و شورا نمی تواند راه حل بخصوصی را به طرفین تحمیل نماید. با این وصف، شورای امنیت وظیفه دارد بررسی کند که آیا اساساً اختلافی به وجود آمده است یا نه، و در صورتی که وجود اختلاف یا بحران محقق باشد، باید معین کند که اختلاف یا بحران مذکور تا چه حد صلح جهانی را تهدید می کند.

(ماده ۳۴). شورای امنیت در این گونه موارد، براساس شکایت یکی از اعضا و یا حتی کشوری که عضو سازمان ملل نیست و ظرف اختلاف قرار گرفته است به رسیدگی می پردازد؛ البته به شرط آنکه کشور غیر عضو تمامی تعهدات مربوط به حل مسالمت آمیز اختلافات را بپذیرد (ماده ۳۵) بند ۲ از ماده ۳۳ و بند ۱ از ماده ۳۶ مداخله شورای امنیت را در حل اختلافات به موارد زیر بسط داده است:

۱ - دعوت از کشورها برای پایان دادن به اختلافات از طریق مسالمت آمیز؛

۲ - توصیه شیوه های مناسب برای حل اختلافات

شورای امنیت در انتخاب و توصیه شیوه های مناسب محدودیتی ندارد، به شرط آنکه روشهایی را که طرفین اختلاف قبلاً برای تصفیه اختلافشان پذیرفته اند، مورد توجه قرار دهد و این مساله را در نظر گیرد که اختلافات حقوقی باید به طور کلی با رضایت طرفین به دیوان بین المللی دادگستری ارجاع گردد (بندهای ۲ و ۳ از ماده ۳۶).

هنگامی که طرفین دعوی هر دو، شکایت خود را در شورا مطرح کردند، شورا می تواند راه حلی جهت فیصله دعوی به طرفین پیشنهاد نماید. پیشنهاد شورا در این زمینه توصیه نامه ای عادی محسوب میشود؛ بنابراین اگر طرفین دعوی نظر شورا را نپذیرد و بن بست در حل قضیه به وجود آید شورای امنیت می تواند با استفاده از مقررات فصل هفتم، مساله را مورد بررسی قرار دهد.

### به مخاطره افتادن صلح

#### حدود به مخاطره افتادن صلح

به مخاطره افتادن صلح حدی بس وسیع دارد. صلح بین المللی ممکن است در اثر عوامل مختلفی به مخاطره بیفتد؛ زیرا به همان اندازه که اختلاف میان دو یا چند کشور برای صلح بین المللی زیان آور است، بحرانهای داخلی کشور نیز عاملی موثر به خطر انداختن امنیت جهانی است به شمار می رود.

به نظر می رسد که علت استفاده نویسندگان منشور از این مفهوم بسط صلاحیت شورای امنیت بوده است، چنانچه در این قبیل موارد شورای امنیت می تواند با استناد به ماده ۳۹ در امور داخلی کشورها نیز به مداخله بپردازد: همانگونه که در بسیاری از موارد هم ممکن است با در نظر گرفتن اوضاع و احوال سیاسی جهان، بحرانهای داخلی را مخاطره انگیز تلقی نماید. البته

شورای امنیت، بجز در چند مورد، در موارد دیگر از استعمال این مفهوم در قطعنامه های خود جداً احتراز کرده و با به کار بردن اصطلاحات مشابه، خود را از قید مقررات فصل هفتم و پی آمدهای آن خلاصی بخشیده است. در مواردی هم که مجمع عمومی با تصویب قطعنامه ای از شورا درخواست کرده است تصمیماتی در چهارچوب فصل هفتم در قبال کشورهای ناقض اصول عمومی حقوق بین الملل اتخاذ نماید، پاسخ مثبتی از شورا دریافت نکرده است. فی المثل مجمع عمومی در ۱۸ دسامبر ۱۹۶۲ از شورای امنیت درخواست کرد که در قبال سیاست استعمارگرانه پرتغال در آنگولا و موزامبیک موضعی قاطع اتخاذ نماید و با تایید اینکه سیاست استعماری پرتغال صلح و امنیت بین المللی را جداً به مخاطره افکنده است، تدابیری (در چهارچوب فصل هفتم) اتخاذ کند. شورا در پاسخ به این درخواست، قطعنامه ای صادر کرد؛ اما به جای اینکه از عبارت «به خطر انداخته» استفاده کند به پیشنهاد یکی از اعضا عبارت «جداً مختل نموده» را برگزید. تردیدی نیست که قصد شورای امنیت از انتخاب این عبارت، خروج از فصل هفتم و داخل شدن در فصل ششم منشور بوده است. به عبارت دیگر، شورای امنیت با تغییر عبارت مذکور به هیچ روی بر آن نبود تا به کاری تفننی دست بزند بلکه بیشتر راغب بود که در آن اوضاع و احوال سیاسی، میانجی باشد تا عامل اجرای نظم. در موارد دیگر باز شورای امنیت به جای استفاده از عبارت «به مخاطره افتادن صلح» از عبارات دیگر مثل «خطری که بالقوه صلح را تهدید می نماید» یا «خطری که در نهم صلح را تهدید می کند» استفاده کرده است، چنانچه در قضیه آفریقای جنوبی، شورای امنیت با تصویب قطعنامه هایی در سالهای ۱۹۶۳ و ۱۹۶۴، ابتدا از کشورهای جهان درخواست نمود که این کشور را از نظر تسلیحاتی تحریم کنند؛ اما در ۱۵ ژوئیه ۱۹۷۰ پس از آنکه چهل کشور آفریقایی عضو سازمان ملل از شورا رسماً درخواست کردند برای رسیدگی به مساله تبعیض نژادی در آفریقای جنوبی تشکیل جلسه دهد، در ۲۳ ژوئیه ۱۹۷۰ قطعنامه ای به تصویب رساند که در آن، ضمن تاکید بر قطعنامه های پیشین خود، از نقض مقررات مربوطه به تحریم تسلیحاتی توسط چند کشور اظهار تاسف کرد و درخواست نمود که کشورها از ارسال اسلحه به این کشور خودداری ورزند. شورای امنیت در بند هفتم مقدمه این قطعنامه سیاست تبعیض نژادی را «خطری بالقوه برای صلح و امنیت بین المللی» اعلام کرده است.

### نقض صلح

نقض صلح اصولاً مفهومی مضاعف دارد، زیرا هم عمل ناقض صلح را در بر می گیرد و هم وضعیت ناشی از آن را این خصیصه موجب شده است که در تعیین حدود این مفهوم تردیدی عمیق به وجود آید و سازمان ملل در اجرای وظایفش با مشکلاتی جدی روبرو شود؛ زیرا معلوم نیست که باید با اعمال خلاف مقابله شود یا با وضعیت نابهنجاری که کشور خاطی به وجود آورده است. بعضی از صاحب نظران معتقدند که «نقض صلح» با «تجاوز» تفاوت چندانی ندارد و سازمان ملل به همان اندازه که اختیار دارد بحران را از میان بردارد مجاز است که با عامل به وجود آورنده آن یعنی کشور خاطی مبارزه نماید البته در این زمینه تا به حال رویه ای به وجود نیامده و هر بار که شورای امنیت به این مفهوم اشاره کرده است دقیقاً مشخص نبوده که اقداماتش در چه جهت به جریان خواهد افتاد؛ به این معنی که آیا قصدش از میان بردن بحران است و یا مبارزه با کشور بحران ساز؟ (والتون، و ویجانیدرا ۱۳۸۷: ۳۰۰)

### نتیجه گیری:

هدف اصلی در این پژوهش، بررسی میزان کارکرد سازمان های بین المللی در تامین صلح جهانی می باشد این پژوهش سعی دارد به این موضوع بپردازد، که چگونه سازمان های بین المللی پس از پایان جنگ سرد، در تامین صلح جهانی، می توانند تاثیر گذار باشند. فرضیه مطرح شده در این پژوهش این است که با وجود حقوق و وظایفی که سازمان های بین المللی در چهارچوب قوانین خود، برای دولت ها وضع کرده اند، نقش تعیین کننده ای در تامین صلح جهانی دارا می باشند. امروزه زندگی بین المللی بدون سازمان های بین المللی اصلاً قابل تصور نیست، یعنی هیچ دولتی را بلا استثنا نمی توان پیدا کرد که عضو یک یا چند سازمان نباشد و این بیشتر از پیش اهمیت برقراری رابطه و همکاری به منظور رسیدن به یک اجماع نظر و اتفاق نظر بین دولت

ها را نشان می دهد. پس از جنگ سرد، شکل و ماهیت روابط بین الملل دستخوش تحولات متعددی گردید. مهم ترین رویدادهایی که به پیچیدگی روابط عصر حاضر انجامیده است پراکندگی مراکز قدرت در جهان، ظهور علم و تکنولوژی، ایجاد و تقویت نقش سازمان های بین المللی دولتی و غیر دولتی و موارد دیگر را شامل می شوند. سازمان های بین المللی به دو دسته ی سازمان های بین المللی دولتی و غیردولتی تقسیم می شوند، هر کدام از این سازمان ها در زمینه ی صلح فعالیت های زیادی داشته اند اما امروزه به وضوح شاهد افزایش نقش سازمان های غیردولتی در تامین صلح جهانی می باشیم. سازمان های زیادی در راستای حفظ و بسط صلح در جهان به وجود آمده اند که اقدامات با ارزش و موثری را در این راستا انجام داده اند، با توجه به مدارک و شواهدات تاریخی در این پژوهش سعی شد تا به این موضوع پرداخته شود و به عملکردهای بعضی از مهم ترین سازمانها مانند سازمان ملل متحد، سازمان پیمان آتلانتیک شمالی، سازمان کنفرانس اسلامی و اتحادیه آفریقا که در زمینه حفظ و ثبات صلح اقداماتی را انجام داده اند اشاره شود. دیری است که ایمان به حقوق اساسی بشر و حیثیت و شأن والای انسان در مهمترین سازمان های جهانی و منطقه ای اعلام شده و ارتقا و احترام به این امتیازات، فارغ از هرگونه تمایز از حیث نژاد، جنس، زبان و یا مذهب سرلوحه کار آنها قرار گرفته است. هرچند در حوزه تدوین مقررات حقوق بشر مثل منشور بین المللی حقوق بشر، کنوانسیون های اروپایی، آمریکایی و آفریقایی حقوق بشر و... گام هایی مؤثر برای رشد و توسعه امتیازات انسانی برداشته شده، ولی در زمینه حمایت از صیانت این مقررات با وجود موانع زیادی که بسیاری از آنها در «حاکمیت دولت ها» خلاصه می گردد، راه بسیار دشواری پیموده شده است. این مشکل، با توجه به این نکته که حقوق بین الملل در اوضاع و احوال کنونی جهان که مجموعه قواعد و مقرراتی است که با ایجاد تعادل میان منافع ملی و منافع بین المللی، ناظر بر همکاری میان دولت ها بوده و از این رو، از ضمانت اجرای مؤثری برخوردار نیست، بسیار تشدید گشته است. اگر طرفهای اختلاف برای حل مسائل خود در اعمال طرق مسالمت آمیز مواجه به شکست گردند شورای امنیت دست به اقدامات اجرایی که شامل اقدامات نظامی و غیر نظامی است خواهد زد تا نسبت به جلوگیری یا رفع تهدیدات نسبت به صلح توقف اعمال تجاوزگرانه و دیگر موارد نقض صلح اقدام نمایند نیروهای مسلحی که برای چنین اقدامات در خدمت شورای امنیت قرار می گیرند جدا و مستقل از نیروهای مسلح کشورهای عضو نیستند به مجمع عمومی و دبیر کل اختیاری برای انجام اقدامات اجرایی داده نشده است آژانس ها و ترتیبات منطقه ای نمی توانند بدون رضایت سازمان ملل دست به اقدامات اجرایی زنند. در منشور ملل هیچ مقرراتی در مورد حفظ صلح وجود ندارد و فاقد مطلبی واضح و صریح در مورد ایجاد صلح است اما مقرراتی چند وجود دارد که سازمان ملل در اقدامات و تجربیاتش به آن تکیه کرده است تلاش های سازمان ملل و میزان موفقیتش در حفظ صلح و امنیت از جمله تکیه کرده است تلاش های سازمان ملل و میزان موفقیتش در حفظ صلح و امنیت از جمله موضوعاتی هستند که نویسندگان در جهت تحقیقات بیشتر در مورد آن مشغول به مطالعه و تحقیق است.

## منابع

۱. برزگر، کیهان (۱۳۸۷)، "ایران، خاورمیانه و امنیت بین الملل"، فصلنامه ی سیاست خارجی، سال بیست و دوم، شماره ی ۳.
۲. بیگ زاده، ابراهیم. ۱۳۹۰. سازمان های بین المللی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
۳. پورا احمدی، حسین. ۱۳۹۰. "سازمان های بین المللی، محیط زیست، مساله شمال جنوب"، تهران: علوم محیطی.
۴. ثقفی عامری، ناصر. ۱۳۷۶. "سازمان ملل متحد مسئولیت حفظ صلح و امنیت بین المللی"، تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.
۵. رایت، رابین (۱۳۸۴)، آخرین انقلاب بزرگ؛ انقلاب و تحول در ایران، ترجمه ی احمد تدین و شهین احمدی، تهران: انتشارات رسا.

۶. رحمانی، مسعود. ۱۳۹۰. "نقش ایران در ارتقای موقعیت جهانی کنفرانس اسلامی" دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم. قم: نشر پگاه.
۷. سازمند، بهاره (۱۳۸۴)، "تحلیل سازه انگارانه از هویت ملی در دوران جنگ تحمیلی"، فصلنامه ی مطالعات ملی، شماره ی ۲۲.
۸. ساعد، نادر. ۱۳۸۹. حق بر صلح عادلانه، تهران: نشر مجمع جهانی صلح اسلامی.
۹. سرمست، بهرام. ۱۳۸۸. "بازیگران، جنگ افزارها و سرچشمه های جدید تهدیدات امنیت بین المللی"، فصلنامه تخصصی علوم سیاسی. تهران: شماره هشتم.
۱۰. سلیمانی رضا، قاسمی، بهزاد، مقایسه رویکرد انقلاب اسلامی و ایالات متحده به نقش مردم در بیداری اسلامی در منطقه خاورمیانه (۲۰۱۴-۲۰۱۱) پژوهشنامه انقلاب اسلامی، شماره ۱۱، تابستان ۱۳۹۳ صص ۴۵-۶۴
۱۱. غفوری، محمد. (۱۳۸۳). "عملکرد سازمان های بین المللی در عرصه ی روابط بین الملل نوین"، فصلنامه رهیافت های سیاسی و بین المللی. تهران: دفتر مطالعات سیاسی بین المللی.
۱۲. کولابی، الهه. تیشه یار، ماندانا. (۱۳۸۶). سازمان پیمان آتلانتیک شمالی دگرگونی در ماموریت ها و کارکرد ها، تهران: نشر دانشگاه تهران.
۱۳. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۲)، "نقش ارزش ها و هنجارها در شکل دادن به سیاست خارجی؛ رهیافت سازه انگارانه"، تهران: مرکز مطالعات عالی بین المللی، سال سوم، شماره ی ۳.
۱۴. نواب، محمد (۱۳۸۵)، "امت در حرکت"، نشریه ی سوره، دوره ی جدید، شماره ی ۲۷.
۱۵. والتون، مایکل و رائو ویجانیدرا (۱۳۸۷)، فرهنگ و کنش عمومی، ترجمه ی علی بختیاری زاده، تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.